

«ایران» الگوی موفق جوانگرایی در تیم ملی فوتبال اسپانیا را بررسی می کند

قیام دلا فوئنته علیه محافظه کاری

سینا حسینی / شکست تیم ملی اسپانیا برابر مراکش در جام جهانی ۲۰۲۲ را می توان نقطه عطف «لاروخا» در فوتبال جهان دانست؛ جایی که لوئیس انریکه با لشکری از ستاره های نام آشنای برابر تیمی آفریقایی از گردونه رقابت ها حذف شد تا شکستی تلخ در کارنامه ماتادورها ثبت شود؛ اتفاقی که در واقع فروپاشی یک مدل فکری بود.

تیمی که سال ها بر مالکیت توپ، کنترل ریتم و تکرار الگوهای کلاسیک تکی تا آنکاه داشت، در برابر تیمی سازمان یافته و بی ادا به بن بست رسید؛ بن بستی لشکری از ستاره های نام آشنای برابر تیمی آفریقایی از گردونه رقابت ها حذف شد تا شکستی تلخ در کارنامه ماتادورها ثبت شود؛ اتفاقی که در واقع فروپاشی یک مدل فکری بود.

تیم های پایه عبور می کرد و بر پایه شناختی عمیق از نسل جدید فوتبال اسپانیا شکل گرفته بود. او به جای اتکا به نام ها، به «کارکرد» اندیشید و مهم تر از آن، به بازیکنانی اعتماد کرد که سال ها در رده های پایه با آنها کار کرده بود.

این تصمیم، در نگاه سنتی شاید ریسک محسوب می شد، اما در عمل به مزیتی رقابتی تبدیل شد. تنها در فاصله ای کمتر از ۶ ماه و ۱۰ روز از آغاز کار وی، اسپانیا به قهرمانی لیگ ملت های اروپا ۲۰۲۳ رسید؛ موفقیتی که نه یک اتفاق، بلکه نشانه ای از سرعت بالای انطباق یک تیم جوان با ایده های تاکتیکی جدید بود.

اما نقطه عطف اصلی در جام جهانی ۲۰۲۶ رقم خورد؛ جایی که پروژه جوانگرایی به بلوغ رسید. ا سیمون با میانگین سنی حدود ۲۶ تا ۲۷ سال وارد تورنمنت شد و در میان تیم های مدعی، یکی از جوان ترین ترکیب ها را در اختیار داشت. این عدد زمانی معنا پیدا می کند که بدانیم بسیاری از مدافع سنتی با

میانگین سنی نزدیک به ۲۹ تا ۳۰ سال در مسابقات حاضر بودند. حتی در ترکیب اصلی اسپانیا، سهم بازیکنان زیر ۲۳ سال به طرز قابل توجهی بالا بود؛ بازیکنانی که نه تنها نقش مکمل، بلکه نقشی محوری در ساختار تیم ایفا می کردند. حضور بازیکنانی مانند لامین یامال در سنین ۲۰ سال، پائو کوبارسی در خط دفاع، گایو و پدري در خط میانی، نشان دهنده تغییر بنیادین در نگاه به تیم ملی بود. اینها بازیکنانی نبودند که برای آینده ذخیره شوند؛ آنها «حال» تیم ملی کشورشان بودند.

داده های مربوط به دقایق بازی این تیم در جام جهانی ۲۰۲۶ نیز این واقعیت را تأیید می کند: درصد قابل توجهی از زمان بازی اسپانیا در این رقابت ها در اختیار بازیکنان زیر ۲۵ سال بود؛ موضوعی که در سطح تیم های قهرمان کمتر سابقه داشته است. در عین حال، ترکیب تیم با حضور چند بازیکن باتجربه تر، تعادل لازم را حفظ کرد، اما هسته اصلی تیم

اصغر مدیر روستا، بازیکن پیشین تیم ملی فوتبال در گفت وگو با «ایران»:

پاداش اعتماد به جوان ها، فتح قله قهرمانی است

مهری رنجبر / قهرمانی اسپانیا در جام جهانی ۲۰۲۶ بار دیگر نام دلا فوئنته را در صدر توپتست قرار داد؛ سرمربی ای که با تکیه بر نسل جوان نشان داد قرار نیست همیشه چرخ فوتبال برمدار تجربه صرف بچرخد. اصغر مدیر روستا، بازیکن پیشین تیم ملی ایران،

با اشاره به اهمیت حضور تأثیرگذار ستاره های نوظهور در ترکیب اسپانیا می گوید: «لوئیس دلا فوئنته این بار هم پاسخ اعتمادش به بازیکنان جوان را گرفت تا نشان دهد پاداش اعتماد، فتح قله های بزرگ است.»

می دهند. اسپانیا نشان داد با یک برنامه ۱۵ ساله می توان نسل طلایی ساخت و به قهرمانی جهان رسید. این اتفاق حتی در ژاپن و کره نیز رخ داده و حالا این دو کشور آسیایی هم در همان مسیر گام برمی دارند. «مدیر روستا در ادامه به موضوع زمان آماده سازی تیم های مدعی اشاره می کند و معتقد است اولین قهرمانی تیم ملی اسپانیا با این تیم، تنها شش ماه پس از حضور دلا فوئنته در کادر فنی رقم خورد؛ بنابراین نوایان ادعا دارند که در مدت کوتاه دستیابی به موفقیت بزرگ ممکن نیست. او توضیح

علی اصغر مدیر روستا در گفت وگو با «ایران»، قهرمانی اسپانیا با اتکا به بازیکنان جوان را رویدادی مهم و عبرت آمیز برای تمام تیم های دنیا می داند و در این باره می گوید: «لیگ پویای اسپانیا، باشگاه های این کشور را به کارخانه بازیکن سازی تبدیل کرده و به همین دلیل دست سرمربی تیم ملی برای جوانگرایی و تزریق نیروی تازه به ترکیب تیم باز است. او با اتکا به این ظرفیت، برنامه کاری خود را برای چهار سال آینده آغاز کرد و نتیجه این توجه و سرمایه گذاری روی بازیکنان زیر ۲۰ سال، قهرمانی در جام جهانی شد. در واقع، چرخه تولید بازیکنان جوان در باشگاه ها هیچگاه متوقف نشده و با سرمایه گذاری روی استعدادها، بدون لابی گیری، آنها را برای آینده فوتبال کشور پرورش

دلا فوئنته چگونه جام را به خانه برد

دستاورد از دل «آمار سازی» بیرون نمی آید

گروه ورزشی / تیم ملی اسپانیا تحت هدایت دلا فوئنته یکی از روشن ترین نمونه های «کاربرد درست آمار در خدمت استراتژی» بود؛ تیمی با میانگین سنی حدود ۲۶ تا ۲۷ سال که در مقایسه با بسیاری از مدعیان سنتی که عمدتاً میانگین سنی نزدیک به ۲۹ تا ۳۰ سال داشتند نه تنها جوان تر، بلکه از نظر فیزیکی و شناختی آماده تر برای پاسخ به الزامات فوتبال مدرن ظاهر شد. اما نکته کلیدی اینجاست؛ مزیت اسپانیا صرفاً «پایین بودن عدد میانگین سنی» نبود، بلکه نحوه به کارگیری این ظرفیت در یک بازی چارچوب تاکتیکی منسجم، این تفاوت را رقم زد. داده های ثبت شده از دقایق بازی نشان می دهد سهم بازیکنان زیر ۲۵ سال در ترکیب اسپانیا به طور معناداری بالاتر از اغلب

تیم های حاضر در مراحل حذفی بود؛ این در حالی است که بسیاری از تیم هایی که زودتر از رقابت ها کنار رفتند، یا به شکل افراطی به تجربه متکی بودند یا در استفاده از جوانان دچار بی برنامه گی شدند. اما اسپانیا نه گرفتار «محافظه کاری مبتنی بر تجربه» شد و نه به دام «جوانگرایی نمایشی» افتاد؛ بلکه به این ابعاد توازن میان این دو، ساختار پویا و واقعی فوتبال خود را ارائه داد.

در نقطه مقابل، تیم هایی که حذف شدند- یا وجود تستمزد دریافتی او با دوره لوئیس انریکه تفاوت بسیار زیادی دارد. طبق داده های رسانه ای منتشر شده، انریکه در دوران هدایت تیم ملی سالانه حدود ۳ تا ۳.۵ میلیون یورو دریافت می کرد؛ رقمی به مراتب بالاتر، در حالی که تیم ملی در آن دوره به جام بزرگی دست نیافت. بنابراین، مقایسه نشان می دهد که اسپانیا با کاهش هزینه مربی، به بازده ورزشی بیشتری رسیده است.

بازده مورد پاداش قهرمانی جام جهانی ۲۰۲۶، داده های رسمی همچنان محدود است. هیچ رقم دقیقی درباره سهم شخصی دلا فوئنته منتشر نشده، اما گزارش ها تأیید می کنند که قرارداد او شامل پندهای پاداش مبتنی بر عملکرد بوده است. بر این اساس او از موفقیت های بزرگ بی نصیب نمانده، هرچند جزئیات مالی در سطح عمومی افشا نشده است. در مجموع، تحلیل داده ها نشان می دهد که پروژه اسپانیا با هدایت دلا فوئنته، نمونه ای از «کاری با بالا به هزینه کنترل شده» است؛ مدلی که در آن، موفقیت ورزشی از منطق رایج بازار دستمزدها پیشی گرفته است.



گروه ورزشی / گزارش های منتشر شده و داده محور در رسانه های معتبر جهان از فوتبال ملی اسپانیا، تصویری متفاوت از نسبت «هزینه و موفقیت» ارائه می دهند؛ جایی که لوئیس دلا فوئنته با وجود ثبت یکی از پرافتخارترین دوره های تاریخ این تیم، همچنان دستمزدی در سطح متوسط دریافت می کند. بر اساس داده های منتشر شده، او در آغاز حضورش روی نیمکت اسپانیا در سال ۲۰۲۲ حدود یک میلیون یورو در سال درآمد داشت و پس از تمدید قرارداد و موفقیت های بی دریغی، این رقم به حدود ۱.۸ میلیون یورو به علاوه پاداش افزایش یافت.

با ادامه روند موفقیت ها-از قهرمانی لیگ ملت های اروپا ۲۰۲۳ تا فتح یورو ۲۰۲۴ و در نهایت قهرمانی جام جهانی ۲۰۲۶- دستمزد او به طور میانگین در حدود ۲ میلیون یورو در سال تثبیت شد؛ رقمی که در رتبه بندی مربیان جام جهانی نیز او را در حدود رتبه پانزدهم قرار می دهد. این درحالی است که برخی برآوردها، مجموع دریافتی او با احتساب پاداش ها را ۳ تا ۳.۲ میلیون یورو نیز تخمین می زنند.

از نظر ارقام فوتبالی، این ارقام در تضاد آشکار با دستاوردهای او در تیم ملی اسپانیا قرار دارد. دلا فوئنته با اسپانیا را به سه قهرمانی بزرگ رساند و حتی رکوردی مانند ۳۸ بازی بدون

رسول کرپکندی، دروازه بان پیشین تیم ملی فوتبال در گفت وگو با «ایران»:

اسپانیا قهرمان شد چون از آینده نترسید

است. حضور چهره های ۱۹ ساله ای مانند لامین یامال و پائو کوبارسی در کنار بازیکنانی چون رودری و اونای سیمون، ترکیبی متوازن و کارآمد را شکل داد که به واسطه این مهره ها دلا فوئنته توانست قهرمانی جهان را به دست آورد. رسول کرپکندی، دروازه بان پیشین تیم ملی فوتبال، در گفت وگو با «ایران» می گوید: «اسپانیا صرفاً به دلیل جوان بودن قهرمان نشد، بلکه به این

اسپانیا

نشان داد با یک برنامه ۱۵ ساله می توان نسل طلایی ساخت و به قهرمانی جهان رسید. این اتفاق حتی در ژاپن و کره نیز رخ داده و حالا این دو کشور آسیایی هم در همان مسیر گام برمی دارند. «مدیر روستا در

بر پایه انرژی، سرعت تصمیم گیری و انعطاف پذیری تاکتیکی نسل جوان شکل گرفته بود. در چنین شرایطی، قهرمانی در جام جهانی ۲۰۲۶ پیش از آن یورو ۲۰۲۴، بیش از آنکه یک موفقیت صرف باشد، به پاسخی روشن برای منتقدان تبدیل شد: همان هایی که سال ها تکرار می کردند «تیم ملی جای جوانگرایی نیست» یا «تغییرات گسترده در تیم های ملی منجر به بی ثباتی می شود». اکنون آنها با این واقعیت مواجه شده اند که «تیم ملی جای جوانگرایی است»؛ دقیقاً همان مسیری که دلا فوئنته درستی آن را به اثبات رساند. این گزاره ها، اگرچه در ظاهر محافظه کارانه و منطقی به نظر می رسند، اما در عمل چیزی جز بازتولید ترس از تغییر نیستند. تجربه اسپانیا نشان داد مشکل، جوانگرایی نیست؛ مشکل، فقدان برنامه در جوانگرایی است.

واقعیت این است که فوتبال مدرن دیگر جایی برای تیم های ایستا باقی نگذاشته است. سرعت بازی،

فشردگی تقویم و پیچیدگی های تاکتیکی، نیازمند بازیکنانی است که هم از نظر بدنی در اوج باشند و هم از نظر ذهنی توانایی انطباق سریع را داشته باشند؛ ویژگی هایی که به طور طبیعی در نسل های جوان تر بیشتر یافت می شود. اسپانیا با درک این واقعیت، نه تنها از تغییر نترسید، بلکه آن را به عنوان یک استراتژی بلندمدت پذیرفت و اجرا کرد. پروژه دلا فوئنته را باید فراتر از یک موفقیت مقطعی تحلیل کرد. این پروژه، الگویی مدیریتی در فوتبال ملی است؛ الگویی که نشان می دهد اگر جوانگرایی بر پایه شناخت، تداوم و انسجام تاکتیکی بنا شود، می تواند به خلق چرخه ای از موفقیت پایدار منجر شود. اسپانیا پس از ۲۰۲۲، از تیمی گرفتار در تکرار به تیمی تبدیل شد که آینده را می سازد و شاید مهم ترین پیام این تحول برای فوتبال جهان این باشد: در عصر جدید، تیم های برنده اند که نه به گذشته، بلکه به آینده اعتماد می کنند.



می دهد این زمان برای ساختن یک تیم ملی کافی است و می توان کار اصولی انجام داد. اما مشکل زمانی ایجاد می شود که نه برنامه ریزی درستی وجود داشته باشد و نه افراد در جایگاه واقعی خود قرار گرفته باشند.»

از واقعیت است. «وی در پایان گفت: «معمولاً در کشورهایی مثل اسپانیا، مربی جدید نیز در چارچوب همان برنامه از پیش تعیین شده حرکت می کند. وقتی دلا فوئنته در عرض شش ماه تیمش را به قهرمانی می رساند، نشان

در برابر تیم هایی که «برنامه» دارند، محکوم به شکست اند. اسپانیا با دلا فوئنته، آمار را نه به عنوان هدف، بلکه به عنوان ابزار به کار گرفت؛ ابزاری برای هدفت، اصلاح و بهینه سازی یک ایده تاکتیکی. قهرمانی اسپانیا را باید پیروزی «استراتژی بر آمار» دانست. تیمی که نشان داد اگر داده ها در خدمت یک طرح کلان قرار نگیرند، تنها اعدادی بی جان هستند؛ اما اگر با شناخت، جسارت و انسجام همراه شوند، می توانند به خلق یک چرخه موفقیت منجر شوند. این همان درسی است که بسیاری از تیم های حذف شده هنوز آن را نیاموخته اند: در فوتبال مدرن، برنده کسی نیست که بهتر عدد بسازد، بلکه کسی است که بهتر بازی را بفهمد و آن را اجرا کند.

تصمیم گیری را از رقبا می گرفت. اینها شاخص هایی هستند که در قالب اعداد خام به سادگی دیده نمی شوند، اما تعیین کننده نتیجه اند. نکته مهم دیگر، «کیفیت دقیق» بود، نه صرفاً «تعداد دقیق». در حالی که برخی تیم ها به ثبت دقایق بازی بازیکنان خاص یا حفظ رکوردهای فردی دل خوش بودند، اسپانیا توزیع دقایق را در راستای حفظ شدت بازی و پایداری تاکتیکی مدیریت کرد. همین موضوع باعث شد تیم در نیمه های معروف به مربیان جایی که بسیاری از رقبا افت محسوس داشتند، همچنان از نظر فیزیکی و ذهنی برتری باقی بماند. این مقایسه یک پیام روشن دارد: دستاورد در جام جهانی از دل «آمار سازی» بیرون نمی آید. تاریخ این رقابت ها بارها نشان داده تیم هایی که به اعداد پناه می برند

نقش تأثیرگذار ستاره های جوان در کسب یک موفقیت بزرگ

موفقیت تاریخی ماتادورها



جریان بازی، نقشی مستقیم و تعیین کننده ایفا کردند. این همان تمایز میان استفاده تاکتیکی و استفاده تئوریتی از بازیکنان جوان است. در فاز تهاجمی، تحرک بدون توپ این بازیکنان به ایجاد برتری عددی و برهم خوردن نظم دفاعی حریفان منتهی شد. در فاز دفاعی نیز، پرس فشرده و هماهنگ آنها نقصان و فضای تصمیم گیری را از رقبا سلب کرد؛ موضوعی که در افزایش خطاهای اجباری و از دست رفتن توپ توسط حریفان به وضوح مشهود بود. این شاخص ها، اگرچه در آمارهای سبک تر کمتر به چشم می آیند، اما ارتباطی مستقیم با نتایج مسابقات دارند. موفقیت اسپانیا صرفاً حاصل جوانی نبود، بلکه نتیجه ادغام همدمنی این نسل در یک سیستم تاکتیکی منسجم به شمار می رفت. تعریف نقش های مشخص، مدیریت هوشمندانه دقایق بازی و ایجاد توازن در ترکیب، این تیم را از دام محافظه کاری و همچنین جوانگرایی نمایشی دور نگه داشت.

براین اساس، بازیکنان جوان نه تنها در این قهرمانی سهم بودند، بلکه یکی از پایه های اصلی آن را شکل دادند؛ نمونه ای روشن از این واقعیت که در فوتبال مدرن، «جوانی هدایت شده» می تواند به عاملی تعیین کننده در مسیر موفقیت تبدیل شود.

قهرمان فراتر از حضور نمایشی بود. ساختار هجومی اسپانیا بر سرعت وینگرها، برتری در نبردهای تک به تک و انتقال سریع از میانه میدان به کناره ها استوار بود. دلا فوئنته جوانان را صرفاً برای نمایش به میدان نفرستاد؛ آنها پیش از جام جهانی در باشگاه های خود مهره های مهمی شده بودند، در تیم ملی مسئولیت پذیرفتند و در کنار باتجربه ها رشد کردند. این روند از قهرمانی لیگ ملت های ۲۰۲۴ آغاز شد و در جام جهانی ۲۰۲۶ به بلوغ رسید. «وی ادامه داد: «اعتماد به جوانان به معنای گذار گذاشتن تجربه نیست. ستون اصلی لاروخا را بازیکنان باتجربه تشکیل می دادند. رودری، اونای سیمون و میکل مینو در کنار استعداد های تازه،



اصغر یازار

کارشناس فوتبال

کیفیت، هوش و فاکتور جوانی

فاکتور جوانی یکی از دلایل موفقیت اسپانیا در جام جهانی ۲۰۲۶ فوتبال به حساب می رود، اما فراتر از فاکتور سن، این کیفیت بازیکنان است که در زمین حرف اول را می زند. اگر اسپانیا بازیکنانی مانند یامال، کوبارسی یا واقعیت، نه تنها از تغییر نترسید، بلکه آن را به عنوان یک استراتژی بلندمدت پذیرفت و اجرا کرد. پروژه دلا فوئنته را باید فراتر از یک موفقیت مقطعی تحلیل کرد. این پروژه، الگویی مدیریتی در فوتبال ملی است؛ الگویی که نشان می دهد اگر جوانگرایی بر پایه شناخت، تداوم و انسجام تاکتیکی بنا شود، می تواند به خلق چرخه ای از موفقیت پایدار منجر شود. اسپانیا پس از ۲۰۲۲، از تیمی گرفتار در تکرار به تیمی تبدیل شد که آینده را می سازد و شاید مهم ترین پیام این تحول برای فوتبال جهان این باشد: در عصر جدید، تیم های برنده اند که نه به گذشته، بلکه به آینده اعتماد می کنند.

اتکای اسپانیا به بازیکنان جوان، نتیجه یک اتفاق کوتاه مدت نیست، بلکه حاصل سال ها سرمایه گذاری در آموزش پایه، مدارس فوتبال و آکادمی های این کشور است. بازیکنانی که امروز در بالاترین سطح فوتبال جهان می درخشند، محصول یک مسیر حرفه ای و برنامه ریزی شده هستند.

بسیاری از تیم ها از نظر میانگین سنی شرایطی نزدیک به اسپانیا داشتند، اما نتوانستند به موفقیت مشابهی برسند. بنابراین اگر سن را عامل اصلی قهرمانی اسپانیا بدانیم، مسیر تحلیل را اشتباه رفته ایم، چراکه ریشه اصلی موفقیت این تیم در پرورش فوتبالیست های باکیفیت است. عملکرد خوب تیم های پایه اسپانیا در رقابت های اروپایی و جهانی نیز این موضوع را تأیید می کند.

موفقیت دلا فوئنته در تیم ملی اسپانیا و کسب قهرمانی لیگ اروپا تنها به دلیل اعتماد او به جوانان نبود. او علاوه بر در اختیار داشتن بازیکنان مناسب، از برنامه ریزی، ابزارهای حرفه ای و مهم تر از همه تفکرات درست مربیگری برخوردار بود. داشتن بهترین بازیکنان به تنهایی تضمین کننده موفقیت نیست؛ یک مربی باید توانایی شناخت، هدایت و گرفتن بهترین عملکرد را از آنها داشته باشد.

تجربه اسپانیا نشان می دهد که ساختن یک تیم قدرتمند حتی در مدت کوتاه شش ماهه امکان پذیر است، به شرط آنکه انتخاب بازیکنان بر اساس کیفیت واقعی باشد. جوانگرایی زمانی نتیجه می دهد که پشتوانه آموزشی مناسبی وجود داشته باشد. تغییر نسل نیز می تواند به تیم کمک کند؛ حتی انتخاب بازیکنان ۲۷ ساله با تجربه کمتر اما توانایی بالا، همراه با برنامه آماده سازی مناسب می تواند سطح عملکرد یک تیم ملی را در مدت کوتاهی ارتقا دهد.

واکنش

هم صدایی رسانه ها با پروژه دلا فوئنته

همدلی و همراهی با تیم ملی

گروه ورزشی / حمایت کم سابقه رسانه های اسپانیا از تفکرات لوئیس دلا فوئنته، از همان روزهای ابتدایی جام جهانی ۲۰۲۶، نشانه ای روشن از شکل گیری یک همدلی ملی برای رسیدن به افتخاری بزرگ و تاریخی بود؛ همدلی ای که در نهایت با قهرمانی، به اوج خود رسید. روزنامه ها و رسانه های معتبر اسپانیا، این بار نه در نقش منتقد، بلکه در قامت همراه، پشت سر سرمربی ایستادند و پروژه جوانگرایی او را به عنوان مسیری درست و آینده دار به رسمیت شناختند.

دلا فوئنته با انتخاب هایی جسورانه، مسیر متفاوتی را در پیش گرفت. او به جای اتکا به نام های بزرگ و باتجربه، به نسل تازه ای از بازیکنان میدان داد؛ چهره هایی مانند پدري، گایو و لامین یامال که با انرژی، خلاقیت و بی باکی، فضای متفاوتی را در تیم ملی این کشور ایجاد کردند. این انتخاب، در ابتدا ریسک پذیره به نظر می رسید، اما خیلی زود به نقطه قوت اصلی اسپانیا تبدیل شد.

رسانه های اسپانیایی با درک این تغییر رویکرد، به تدریج یک خط مشی مشترک را شکل دادند. تحلیل ها به جای تمرکز بر کم تجربگی بازیکنان، بر انسجام تیمی، پویایی تاکتیکی و شجاعت کادر فنی تأکید داشت. روایت غالب این بود که اسپانیا نه با ستاره های منفرد، بلکه با یک «سیستم زنده و هماهنگ» قهرمان شده است؛ سیستمی که از دل تیم های پایه تغذیه شده و حالا به بلوغ رسیده است. نکته قابل توجه، غیبت تقریبی انتقاد از سیاست جوانگرایی بود. در فضایی که معمولاً کوچک ترین لغزش با مویی از نقد همراه می شود، این بار موفقیت تدریجی تیم باعث شد تردیدها جای خود را به اعتماد دهند. حتی نگرانی های محدود درباره فشار بر بازیکنان جوان، بیشتر در قالب هشدارهای حمایتی مطرح شد، نه مخالفت با اصل تصمیم.

قهرمانی اسپانیا تنها نتیجه یک تورنمنت موفق نبود؛ بلکه حاصل همکاری یک ایده، یک تیم و یک فضای رسانه ای بود که این بار، به جای تردید، راه اعتماد را انتخاب کرده بود.

